



DOI: 10.30497/pkn.2024.244554.3065

Received: 2023/05/19

Accepted: 2024/02/11

Familiarity Theory, Formation of social capital based on the teachings of Nahj al-Balagha

Mohsen Raddadi*

Mahmood Maham**

Social capital is one of the concepts that is very effective for the improvement of the political system. Social capital facilitates the programs of the political system. In this article, an attempt has been made to examine social capital in Nahj al-Balaghah. The main question of the article is "What contents are there in Nahj al-Balagha that indicate the promotion of social capital?" To answer this question, first the central concept of social capital have been studied and then by referring to Nahj al-Balaghah, the contents that refer to social capital were extracted. The purpose of this article is to present a formulation of the contents related to social capital in the thought of Imam Ali (AS). Qualitative content analysis method is used in this article. The findings of the article show that the contents related to social capital, which refers to the concept of empathy between the people and the government, can be formulated into four categories of content related to companionship, compatibility, linking, and creating kindness.

Keywords: Alawi government, Imam Ali, Islamic political thought, Islamic studies, Nahj al-Balagha, Social capital.

* Assistantant Professor, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Tehran, I.R.Iran
(Corresponding author).

radadi@iict.ac.ir

0000-0002-6797-6871

** Assistantant Professor, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Tehran, I.R.Iran.

maham812002@yahoo.com

0000-0002-1328-3455

نظریه الفت؛ صورت‌بندی سرمایه اجتماعی بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۲

مقاله برای بازنگری به مدت ۱۸۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

محسن ردادی*

محمود مهام**

چکیده

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیمی است که برای بهبود و کارآمدی نظام سیاسی بسیار مؤثر است. وجود سرمایه اجتماعی باعث تسهیل برنامه‌های نظام سیاسی می‌شود. در این نوشتار تلاش شده است سرمایه اجتماعی در نهج‌البلاغه بررسی شود. سؤال اصلی مقاله این است که «چه محتواهایی در نهج‌البلاغه وجود دارد که به بهبود و ارتقای سرمایه اجتماعی دلالت دارد؟». برای پاسخ به این سؤال ابتدا مفهوم مرکزی سرمایه اجتماعی بررسی شده و سپس با مراجعه به نهج‌البلاغه، مفاهیم و گزاره‌هایی که به این مفهوم مرکزی (همدلی) اشاره دارند، استخراج می‌شوند. هدف این نوشتار این است که ضمن بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی، صورت‌بندی‌ای از محتواهای مرتبط با سرمایه اجتماعی در اندیشه امام علی (علیه‌السلام) ارائه کند. در این مقاله از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که محتواهای مرتبط با سرمایه اجتماعی که به مفهوم همدلی میان مردم و حکومت اشاره دارد، در چهار دسته محتواهای مرتبط با همنشینی، سازگاری، پیوند دادن و ایجاد محبت قابل صورت‌بندی است.

واژگان کلیدی: امام علی (علیه‌السلام)، اندیشه سیاسی اسلام، حکومت علوی، سرمایه اجتماعی، مطالعات اسلامی، نهج‌البلاغه.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

radadi@iict.ac.ir

0000-0002-6797-6871

** عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

maham812002@yahoo.com

0000-0002-1328-3455

مقدمه

بیان مسئله: اصطلاح سرمایه اجتماعی ترکیب جدیدی است که در یک قرن گذشته ابداع شده است. با این حال اعتماد، مشارکت، ارتباط و هنجارهای ارتباطی که ترکیب آنها را امروزه به عنوان سرمایه اجتماعی می‌شناسیم، برای بشر بیگانه نبوده است. مسئله اصلی این مقاله جستجوی مفاهیم مربوط به سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه و صورت‌بندی آنها است تا به این ترتیب تصویری بومی از سرمایه اجتماعی متناسب با شرایط جامعه معاصر به دست آید.

اهمیت: سرمایه اجتماعی ابزاری است که ارتباط مردم با حکومت را بهبود می‌بخشد. در پرتوی اعتماد مردم به حاکمیت، برنامه‌های نظام سیاسی بهتر و مؤثرتر پیشرفت خواهد کرد؛ به همین دلیل است که در چند دهه گذشته دولت‌ها به موضوع سرمایه اجتماعی حساس شده‌اند و تلاش می‌کنند تا حد ممکن، سرمایه اجتماعی خود را افزایش دهند. حکومتی که بتواند سرمایه اجتماعی بیشتری فراهم کند می‌تواند به موفقیت خود بیشتر امیدوار باشد تا حکومتی که صرفاً به سرمایه مالی و فیزیکی تکیه کرده است. با این توضیح پژوهش حاضر به دلیل ارائه تصویری بومی از سرمایه اجتماعی، دارای اهمیت نظری است.

ضرورت: در صورت عدم اهتمام به ارائه روایتی بومی از سرمایه اجتماعی، شاهد حاکم شدن روایت‌های غیربومی خواهیم بود که می‌تواند به بروز انحراف در حکمرانی و افزایش هزینه‌های اجرایی منتهی شود. با این توضیح پژوهش حاضر دارای ضرورت راهبردی برای صیانت از فرهنگ سیاسی در جامعه اسلامی می‌باشد.

اهداف: هدف اصلی تقویت و ترویج گفتمان بومی سیاست و حکمرانی در کشور از طریق صورت‌بندی سرمایه اجتماعی بر اساس آموزه‌های نهج البلاغه است. دو هدف فرعی محققان عبارت‌اند از: تبیین ظرفیت‌های بومی نهج البلاغه در عرصه سیاسی؛ و کمک به کارشناسان و مدیران اجرایی در فهم هرچه بهتر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه ایران.

سؤال‌ها و فرضیه: این پژوهش فرضیه‌آزما نیست و بر نظام سؤال‌ها استوار است. در این نوشتار تلاش می‌شود که به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که چه محتوایی در

نهج‌البلاغه، مرتبط با ماهیت و در نتیجه تقویت، سرمایه اجتماعی حکومت اسلامی وجود دارد؟ سؤال‌های فرعی نیز عبارت‌اند از: مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کدامند؟ روش: پژوهش حاضر از نظر رهیافت، تأویلی و از حیث رویکرد، توصیفی تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و برای تحلیل آنها از تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی عبارت است از شناخت و برجسته ساختن محورها یا خطوط اصلی یک یا چند متن، سخنرانی و یا تصویر. در روش تحلیل محتوا به جای پرسش مستقیم از افراد، از واحد متن سؤال می‌شود (ساعی ۱۳۸۷، ص. ۱۳۸؛ ساروخانی ۱۳۷۷، ج ۲، ص. ۳۱۳). برای تحلیل محتوا، گام‌های زیر طی می‌شود (ساروخانی ۱۳۷۷، ج ۱، ص. ۲۸۵):

اول. تعیین و تحدید موضوع: بر اساس مفهوم سرمایه اجتماعی، عناصر و معرف‌هایی که می‌تواند به این مفهوم اشاره داشته باشد استخراج شد. معرف‌هایی همچون اعتماد، ارتباط، همبستگی، همدلی، هنجارهای تقویت‌کننده اعتماد متقابل؛ دوم. تعیین متن و محتوا: کتاب شریف نهج‌البلاغه به عنوان متن مورد مطالعه انتخاب شد؛ بنابراین در این پژوهش، واحد متن، نهج‌البلاغه است. واحد تحلیل نیز جمله‌ها و کلمه‌ها و عبارت‌های موجود در این کتاب است؛ سوم. مشاهده آزاد: مطالعه مکرر متن برای رسیدن به یک چهارچوب اولیه برای تحلیل متن؛ چهارم. استخراج عبارت‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی از واحد متن بر اساس معرف‌ها؛

پنجم. دسته‌بندی عبارت‌هایی که از تحلیل متن به دست آمده است؛ و ششم. ثبت گزارش نهایی که به رد یا اثبات فرضیه کمک کند.

۱. پیشینه پژوهش

۱-۱. سابقه موضوع در نشریه دانش سیاسی

در مورد سرمایه اجتماعی در نهج‌البلاغه، مقاله مستقلی در نشریه دانش سیاسی منتشر شده است؛ اما در حوزه سرمایه اجتماعی و نهج‌البلاغه به صورت مجزا مقاله‌هایی نوشته

شده که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

الف. موضوع سرمایه اجتماعی: در حوزه سرمایه اجتماعی مقاله‌های متعددی در نشریه دانش سیاسی منتشر شده است. این پژوهش‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول پژوهش‌هایی که سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته و به مطالعه تأثیر آن بر یک متغیر وابسته می‌پردازند. در این زمینه دو مقاله قابل‌توجه است. اول پژوهش رهبرقاضی، جعفری و کردعلیوند (۱۴۰۰) که تأثیر سرمایه اجتماعی بر تمایل به مردم‌سالاری را بررسی می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که این متغیر، اثر مستقیمی بر تمایل دانشجویان اصفهانی به مردم‌سالاری دارد. دومین مقاله توسط ارسیا و ساعی (۱۳۹۸) تدوین شده و به تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه سیاسی از دیدگاه شهروندان تهرانی می‌پردازد. دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که لزوماً به رابطه علی بین سرمایه اجتماعی و سایر پدیده‌ها نمی‌پردازند و تمرکز آنها بر خود موضوع سرمایه اجتماعی است نه تأثیرهای آن. صادق و مقصودی (۱۳۸۹) در سطح ملی با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی به سنجش سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. در پژوهشی دیگر، خلیلی و مهربان اینچه‌برون (۱۴۰۰) مطالعه خود را در سطح فراملی، طراحی کرده و به این موضوع پرداخته‌اند که چگونه دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه باعث کاهش یا کژکارکردی سرمایه اجتماعی در کشورهای خاورمیانه (غرب آسیا) شده است. از نظر موضوعی، مقاله حاضر در دسته دوم قرار می‌گیرد که تمرکز آن بر خود موضوع سرمایه اجتماعی است.

ب. موضوع نهج‌البلاغه: مقاله‌های مرتبط با نهج‌البلاغه و اندیشه علوی، در نشریه دانش سیاسی، سهم اندکی دارند و به‌نظر می‌رسد که در این زمینه لازم است مقاله‌های بیشتری نگارش و منتشر شوند. بلاوی و ماهوزی (۱۳۸۴) در چهارچوب نظریه کنش کلامی به تحلیل متن کتاب شریف نهج‌البلاغه می‌پردازند. پژوهش محسنی (۱۳۸۴) که به رویکرد مردمی حکومت امام علی (علیه‌السلام) می‌پردازد، به حوزه سیاست نزدیک‌تر است و از این جهت که «رویکرد مردمی» حکومت علوی را بررسی می‌کند با موضوع مقاله حاضر زمینه مشترک دارد.

۲-۱. سابقه موضوع در سایر منابع

سرمایه اجتماعی از جمله موضوع‌هایی است که در کتاب‌ها و مقاله‌های فراوان مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف. پژوهش‌هایی که به موضوع سرمایه اجتماعی به شکل عام می‌پردازند و نگاهی بومی و به‌خصوص اسلامی ندارند. مهم‌ترین منبع در این زمینه، کتاب تاج‌بخش (۱۳۸۴) است و علی‌رغم گذشت نزدیک به دو دهه، می‌توان گفت مهم‌ترین منبع فارسی در این زمینه است. همچنین کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی ترجمه شده است که یکی از مهم‌ترین آنها، پژوهش رابرت پاتنام^۱ (۱۳۸۰) است که به بررسی تجربه توسعه ایتالیا با استفاده از سرمایه اجتماعی می‌پردازد.

ب. پژوهش‌هایی که سرمایه اجتماعی اسلامی را مطرح‌نظر قرار داده‌اند. این دسته از پژوهش‌ها خوشبختانه پُرشمار هستند و هنوز نیز تولید مقاله و کتاب در این حوزه ادامه دارد. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به کتاب افتخاری (۱۳۸۷) اشاره کرد. در همین دسته، ردادی (۱۳۹۰) به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در اسلام پرداخته است.

پ. پژوهش‌هایی که به‌صورت خاص به موضوع سرمایه اجتماعی در نهج‌البلاغه و اندیشه امام علی (علیه‌السلام) می‌پردازند. در این زمینه نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. از جمله زارع و علیپوریانی (۱۳۹۹) موضوع سرمایه اجتماعی در نهج‌البلاغه را از منظر مشارکت بررسی نموده‌اند. همچنین رونیاسی و همکاران (۱۳۹۹) با استفاده از آموزه‌های نهج‌البلاغه تلاش کرده‌اند که اصول سرمایه اجتماعی برای کارکنان سازمان‌های دولتی در ایران را استخراج کنند. فاضلی کبریا (۱۳۹۱) نیز در کتاب خود در تلاش است که با استفاده از آموزه‌های امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) مدلی از سرمایه اجتماعی طراحی کند. ایشان در مقاله‌ای، الگوی مدیریتی امام (علیه‌السلام) را مطالعه کرده و حاصل این مطالعه، دسته‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در اندیشه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است (اعتصامی و فاضلی کبریا، ۱۳۹۴). علینی و غفاری (۱۳۹۴) همین رویکرد را در حوزه جامعه‌شناسی دنبال می‌کنند و با روش تحلیل محتوای کیفی مضمونی، روابط اجتماعی را به‌مثابه سرمایه اجتماعی بررسی می‌نمایند. در کنار این نوشته‌های ارزشمند، مقاله حاضر تلاش می‌کند با برقرارکردن ارتباط

میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نهج‌البلاغه، مدلی ارائه کند که به‌عنوان مدل سرمایه اجتماعی در نهج‌البلاغه معرفی گردد. تمرکز مقاله حاضر، بر ساختارهای تولید سرمایه اجتماعی است و در اغلب پژوهش‌ها در این حوزه، ساختارهای تولید سرمایه اجتماعی کمتر توجه شده است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

پژوهش حاضر بر یک مفهوم اصلی (سرمایه اجتماعی) استوار است.

۲-۱. تبارشناسی مفهومی

رابرت پاتنام در دهه ۱۹۹۰ میلادی پژوهش مهمی انجام داد که باعث جلب نگاه‌ها به‌سوی سرمایه اجتماعی شد (Woolcock, 2001, p. 194). تحقیق‌های بعدی پژوهشگران صرف کشف ابعاد و ویژگی‌های سرمایه اجتماعی شد. جیمز کلمن (۱۹۹۰) سه نوع سرمایه را معرفی کرده است: سرمایه فیزیکی،^۲ سرمایه انسانی^۳ و سرمایه اجتماعی.^۴ به باور او، سرمایه اجتماعی به روابط بین افراد مرتبط است. مهم است بدانیم اگر از سرمایه اجتماعی سخن می‌گوییم، صرفاً از یک مفهوم ساده و بسیط صحبت نمی‌کنیم، بلکه جمع‌آوردن عده‌ای از مفاهیم همچون حمایت،^۵ مبادله متقابل،^۶ انتظارات،^۷ اعتماد،^۸ انجمن‌ها^۹ در کنار هم معنای سرمایه اجتماعی را می‌سازند (Harpham & et al., 2002, pp. 106-111).

۲-۲. مرزهای مفهومی

در میان تعریف‌ها و نظریه‌های گوناگون از سرمایه اجتماعی، این پژوهش به تعریف «رابیسون و همکاران» تکیه دارد. آنها در برابر این پرسش که سرمایه اجتماعی چیست؟ چنین پاسخ می‌دهند که سرمایه اجتماعی نوعی «همدلی»^{۱۰} است: «سرمایه اجتماعی همدلی فردی یا گروهی نسبت به انسان یا گروهی دیگر است که می‌تواند به‌صورت بالقوه مولد سود، منفعت و طرز رفتار خاصی برای یک فرد یا دسته‌ای از افراد باشد» (Robison & et al., 2002, p. 6). بر اساس این تعریف، هر سیاست و اقدامی که به افزایش همدلی میان گروهی از افراد منجر شود، مولد سرمایه اجتماعی است؛ بنابراین

لازم است مواردی که در نهج البلاغه به همدلی میان مردم و حکومت اشاره دارد جستجو کرد تا به توصیفی از سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه برسیم.

۲-۳. «الفت» به مثابه چهارچوب مفهومی سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه

«همدلی» ریشه اصلی سرمایه اجتماعی است و چنین به نظر می‌رسد که نزدیک‌ترین واژه به مفهوم «همدلی» در کتاب شریف نهج البلاغه، واژه «الفت» است. الفت به معنای جمع شدن همراه با اتحاد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱). همچنین به معنای انس گرفتن و دوست داشتن چیزی است. «تألف القوم» یعنی جمع شدند و به یکدیگر محبت می‌ورزند (مصطفوی، ۱۳۹۳ق، ص ۱۱۸). در نهج البلاغه، سویه‌های مختلف مشتق‌های واژه الفت، ۲۱ بار در کاربردهای گوناگون به کار رفته است؛ البته در همه این کاربردها، سویه‌های معنایی مرتبط با مفهوم همدلی، وجود دارد. با دسته‌بندی این معناها، می‌توان به مفهوم همدلی (الفت) در کلام علومی پی برد. در جدول (۱) سویه‌های معنایی مرتبط با همدلی که از کاربرد الفت و مشتق‌های آن دسته‌بندی شده‌اند، آمده است.

جدول شماره (۱): الفت و مشتق‌های آن در نهج البلاغه

متن و نشانی آن در کتاب نهج البلاغه	سویه معنایی
قَدْ صَحِبَ الْمُنْكَرَ فَالْفَتْهُ (ص / آیه ۱۴۹)؛ عَلَى جَمَاعَةٍ... وَالْفَتْهَا (ص / آیه ۳۸۴)	همنشین شدن، انس گرفتن
وَالْأَشْبَاهِ الْمُؤْتَلَفَةِ (ص / آیه ۵)؛ وَ مُؤَلَّفًا مَلُونًا (ص / آیه ۱۸۱)؛ مُؤَلَّفَ بَيْنَ مُتَعَادِيَاتِهَا (ص / آیه ۲۱۲)	سازگار شدن، هماهنگ شدن
أَلْفَ غَمَامَهَا (ص / آیه ۸۸)؛ أَلْفَ بِهِ إِخْوَانًا (ص / آیه ۹۵)؛ أَلْفَ بِهِ السَّمْلَ (ص / آیه ۲۸۳)؛ يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَهُمْ (ص / آیه ۱۸۳)؛ اجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ (ص / آیه ۳۵۲)؛ فَجَعَلَهَا نِظَامًا لِأَلْفَتِهِمْ (ص / آیه ۲۶۵)؛ وَاللُّزُومِ لِأَلْفَةِ (ص / آیه ۲۳۲)؛ حَبِلَ هَذِهِ الْأَلْفَةُ (ص / آیه ۲۳۵)؛ بَعْدَ أَلْفَتِهِمْ (ص / آیه ۱۸۳)؛ وَ الْأَهْوَاءِ مُؤْتَلَفَةً (ص / آیه ۲۳۳)؛ وَ جَمَعَ... أَلْفَتَهُمْ (ص / آیه ۲۳۴)	پیوستن، پیوند دادن، وحدت یافتن
فَمَنْ تَأَلَّفَهَا (ص / آیه ۳۹۳)؛ لِيُغَيِّرَكَ الْفَأْ (ص / آیه ۳۵۱)؛ ظِلُّ أَلْفَةٍ (ص / آیه ۲۳۴)؛ تَشْتَتِ الْأَلْفَةُ (ص / آیه ۲۳۳)؛ ذَكَرْتُ مِنَ الْأَلْفَةِ (ص / آیه ۳۷۳)	مهربانی کردن، دوست داشتن

آنچه از بررسی کاربرد الفت (به معنای همدلی) در نهج البلاغه به دست می‌آید این است که در دل این مفهوم، «همنشینی و انس گرفتن»، «محبت کردن»، «پیوستن»، و «سازگاری» وجود دارد. یعنی برای اینکه الفت در جامعه شکل بگیرد لازم است این ویژگی‌ها و مختصات بین افراد جامعه پدید آید. نتیجه اینکه برای تقویت سرمایه اجتماعی لازم است این ویژگی‌ها از سوی حکومت بروز داده شود تا مردم با حاکمان، «همدل» شوند و الفت بگیرند.

الف. همنشینی: یک سویه مهم «الفت»، همنشینی و مصاحبت است. در عبارت‌هایی که الفت با این معنا به کار رفته، تجمع و کنار هم قرار گرفتن افراد مورد نظر بوده است؛ به عنوان مثال امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى فَاسِقِهِمْ وَ قَدْ صَحِبَ الْمُنْكَرَ فَالْفَقَةَ»؛ گویا فاسق آنها (عبدالملک مروان) را می‌نگرم که با منکر و زشتی‌ها یار است و با آن انس گرفته و همنشین می‌گردد (علی ابن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۱۴۹).

ب. سازگاری و ترکیب: این سویه از معنای الفت، به معنای این است که موارد اختلافی بین اعضای جمع، کمرنگ شود به گونه‌ای ترکیب صورت گیرد که منجر به مفارقت و دوری و طرد نشود. این ترکیب‌بندی و هماهنگی برای مدیریت اختلاف‌ها اهمیت دارد؛ زیرا می‌دانیم یکی از عوامل از بین رفتن سرمایه اجتماعی، برجسته شدن اختلاف‌ها و تعارض‌هایی است که بین اعضا به وجود می‌آید؛ بنابراین در اینجا الفت و همدلی باعث سازگاری اعضا می‌شود و اختلاف‌ها به گونه‌ای هضم می‌شود که به جمع و شبکه آسیبی نرساند. از این نظر این معنای الفت هم با سرمایه اجتماعی ارتباط نزدیکی دارد. یکی از عبارت‌های امیرالمؤمنین در این معنا به این شرح است: «ضَادُّ النُّورِ بِالظُّلْمَةِ وَ الْوُضُوحَ بِالْبُهْمَةِ وَ الْجُمُودَ بِالْبَلَلِ وَ الْحَرُورَ بِالصَّرْدِ، مُؤَلَّفٌ بَيْنَ مُتَعَادِيَاتِهَا»؛ خدایی که روشنی را با تاریکی، آشکار را با نهان، خشکی را با تری، گرمی را با سردی، ضد هم قرار داد و عناصر متضاد را با هم ترکیب و هماهنگ کرد (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۲۱۲).

پ. وحدت و پیوند دادن: در الفت، وحدت و پیوند دادن، آشکار است و بیش از همه، الفت و همدلی در کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) به این معنا اشاره دارد. برای ایجاد

وحدت، تشابه بین اعضای مجموعه برجسته می‌شود و این تشابه‌ها محوری می‌شود که افراد حول آن جمع شوند. ممکن است این تشابه‌ها در جامعه وجود داشته باشد؛ مثل همسایگی یا خانواده، که باعث الفت بین افراد می‌شود. گاه نیز عامل وحدت، آفریده می‌شود؛ مثلاً پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، ایمان به خداوند را در جامعه به‌وجود آورد که بتوان حول این محور وحدت، اشخاص جمع شوند و الفت بگیرند. «فَلِمَ اللَّهُ بِهِ الصَّدْعَ، وَرَتَّقَ بِهِ الْفَتَقَ وَ أَلْفَ بِهِ الشَّمْلَ بَيْنَ ذَوِي الْأَرْحَامِ...»؛ [پیامبر اعظم] شکاف‌های اجتماعی را با وحدت اصلاح، و فاصله‌ها را به هم پیوند داد و... میان خویشاوندان یگانگی برقرار کرد (علی بن ابی طالب(علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۲۸۳).

ت. محبت و مهربانی: در الفت و همدلی، یک نوع محبت و مهربانی نهفته است که به دیگرخواهی و خیرخواهی منجر می‌شود و اشخاص را مانند چسب به هم متصل می‌کند. انگیزه اعضای گروه برای اقدام‌های دگرخواهانه که در نظریه‌های سرمایه اجتماعی به آن اشاره شده، همین محبت و مهربانی است. در این معنا، حضرت علی (علیه‌السلام) الفت را چنین به‌کار برده‌اند: «حِينَ وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ، وَ تَشَتَّتِ الْأَلْفَةُ»؛ در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند و مهربانی و دوستی آنان از بین رفت (علی بن ابی طالب(علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۲۳۳).

بنابراین با تأمل در کلمه «الفت» و معنای کاربردی آن در کلام امیرالمؤمنین، به چهارچوبی مفهومی می‌رسیم که چهار وجه دارد و سویه‌های مختلف الفت و همدلی را مشخص می‌کند. با تکیه بر این چهارچوب مفهومی، تحلیل محتوای نهج‌البلاغه انجام شد و عبارت‌هایی که به یکی از این چهار مؤلفه مرتبط بود استخراج شدند. به نظر می‌رسد که این جمله‌های نهج‌البلاغه با همدلی، به‌عنوان هسته سرمایه اجتماعی، مرتبط‌اند.

۳. الفت به‌مثابه «همنشینی»

بخشی از محتواهای نهج‌البلاغه که به ایجاد و حفظ همدلی میان مردم و حکومت اشاره می‌کند به هم‌نشینی و انس گرفتن مرتبط است. این جمله‌ها را می‌توان راهکارهایی هم در نظر گرفت که حاکمان با رعایت آنها، به تقویت سرمایه اجتماعی حاکمیت مبادرت ورزند.

۳-۱. تواضع و مردمی بودن

تکبر و خودبرتربینی میان مردم و حاکمان شکاف می‌اندازد و مانع از همنشینی این دو گروه با هم می‌شود. جمله‌های زیادی در نهج‌البلاغه هستند که کارگزاران را به تواضع و هم‌سطح‌دیدن خود با مردم سفارش می‌کند. اصولاً از نظر امیرمؤمنان، قرار گرفتن در جایگاه حکمرانی، به‌عنوان یک عامل تمایز و برتری نسبت به مردم شناخته نمی‌شود: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده بلکه امانتی در گردن تو است... تو حق نداری نسبت به رعیت استبدادی ورزی» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۳۹۱). در جایی دیگر امام علی (علیه‌السلام) به‌صراحت مالک اشتر را از تبعیض طلبی و بالاتر از مردم دانستن خود نهی می‌کند: «مبادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۳۸۱). حضرت در اینجا از کلمه «استثثار» استفاده کرده‌اند که به‌معنای اثر و نشان گذاشتن بر چیزی برای اختصاص و به انحصار درآوردن است؛ یعنی کارگزار حق ندارد به علت اینکه خود را جزو صاحبان قدرت می‌بیند، حق ویژه‌ای برای خود قائل شود.

حاکم اسلامی باید با ویژه‌خواری کارگزاران نظام اسلامی مبارزه کند و اجازه ندهد حاکمان و مدیران به‌عنوان طبقه‌ای متمایز به کسب ثروت و رانت مشغول شوند. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در حکومت خود با رویه امتیازطلبی بزرگان و صاحب‌منصبان مبارزه می‌کرد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با سختی و دشواری فراوان اشرافیت جاهلی را برانداخته بود. در زمان خلیفه اول نیز کم‌وبیش این مساوات بین مسلمانان ادامه داشت؛ اما با به قدرت رسیدن جناب عمر، سلسله‌مراتب و اشرافیت جاهلی به جامعه اسلامی بازگشت. جناب عمر بر خلاف جناب ابوبکر، بدعت اختلاف در تقسیم اموال را پایه‌گذاری کرد. این اختلاف در پرداخت یارانه از بیت‌المال بر اساس سابقه‌دار بودن در اسلام نبود و صرفاً اشرافیت و عضو قبیله معتبر بودن ملاک بود. بر خلاف آنچه مشهور است، جناب عمر در پرداخت حقوق، اصحاب بدر را هم برتری نمی‌داد؛ زیرا مبلغی که به ابوسفیان (جزء اشراف قریش و رهبر مشرکان در جنگ بدر!) می‌داد، بیش از سعد بن عباد و سایر اصحاب پیامبر در جنگ بدر بود. به‌علاوه جناب عمر یارانه پرداختی به غلام و صاحبش و نیز عرب و عجم را متفاوت قرار داده بود (الطایبی،

۱۴۲۵ق، صص. ۲۱۳-۲۱۴). نکته جالب این بود که مردم عادی، از امتیازطلبی بزرگان و حاکمان ناراضی نبودند. آنها به برتری و فخرفروشی اشراف و حاکمان عادت کرده بودند. در واقع امام علی (علیه السلام) قصد داشت به نفع مردمی امتیازها را از بین ببرد که خود آنها هیچ باور و احساس نیازی به برابری و نفی سلسله مراتب نداشتند و به فرمانبرداری مطلق از عرف و کانون‌های قدرت عادت کرده بودند (عبدالمقصود، ۱۳۷۹، ص. ۲۲۷). با این حال به نظر می‌رسد که در بلندمدت، برداشتن امتیازهای ویژه و هم‌رنگ شدن حاکمان با مردم، به همدلی بیشتر منجر می‌شود.

۲-۳. رسیدگی به شکایت‌های مردمی

از نهج البلاغه این گونه برمی‌آید که کارگزاران حکومت اسلامی برای ایجاد همدلی با مردم لازم است گوش شنوا هم داشته باشند. یکی از روش‌های حضرت علی (علیه السلام) برای همدلی، ارتباط بی‌واسطه با مردم و دریافت گزارش از آنها بود. کارگزارانی که احياناً مرتکب خطا می‌شدند بر اساس گزارش‌های مردمی مورد تحقیق قرار می‌گرفتند. ایشان در یکی از جنگ‌ها خطاب به مردم شهر می‌نویسند: «من پشت‌سر سپاه در حرکت، شکایت‌های خود را به من رسانید و در اموری که لشکریان بر شما چیره شده‌اند که قدرت دفع آن را جز با کمک خدا و من ندارید، به من مراجعه کنید، که با کمک خداوند آن را برطرف خواهم کرد. ان شاء الله» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۸۷).

۳-۳. آمیختگی و ارتباط بدون واسطه با مردم

ارتباط دورادور با مردم همدلی را از بین می‌برد. ارتباط رودررو است که آفریننده همدلی است. حضرت علی (علیه السلام) به کارگزار خود دستور می‌دهد: «جز زبانت چیز دیگری پیام‌رسانت با مردم و جز چهره‌ات دربانی وجود نداشته باشد و هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان؛ زیرا اگر در آغاز از درگاه تو رانده شود، گرچه در پایان حاجت او برآورده شود دیگر تو را نستاید» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۹۵).

۳-۴. ساده‌زیستی

دولتمردانی که زندگی تجملاتی داشته باشند، دیوار و مانعی میان خود و مردم می‌کشند. تجملات، باعث جلوگیری از الفت و همنشینی میان مردم و مسئولان می‌شود. به‌همین دلیل امام علی (علیه‌السلام) ساده‌زیستی را مورد تأکید قرار می‌دهد. ایشان در نامه به عثمان بن حنیف که از کارگزاران برگزیده و شاخص ایشان بود تذکر می‌دهد که این شیوه زیست تجملاتی، مناسب کارگزار نیست (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۴۳). همچنین ایشان ساده‌زیستی خود را به مردم گزارش می‌دهد: «من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از غسل پاک و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم؛ اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وا دارد که طعام‌های لذیذ برگزینم. ... آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) خوانند و در تلخی‌های روزگار با مردم شریک نباشم؟ و در سختی‌های زندگی الگوی آنان نگردم؟» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۵۰).

۴. الفت به‌مثابه «سازگاری»

همان‌طور که اشاره شد، یک سویه معنایی الفت، به سازگاری برمی‌گردد. در نهج‌البلاغه جمله‌هایی می‌توان یافت که به سازگاری اشاره دارد. در ذیل به برخی از این جمله‌ها که بر سازگاری و ایجاد هماهنگی میان مردم (که منجر به همدلی می‌شود) اشاره می‌شود.

۴-۱. تغافل و حفظ آبروی مردم

یکی از عواملی که می‌تواند باعث بروز کدورت بین افراد شود و همدلی را از بین ببرد، این است که افراد گناهان و خطاهای پنهانی دیگران را فاش کنند. به‌همین دلیل در حکومت امام علی (علیه‌السلام) تا زمانی که گناهی به‌صورت علنی انجام نمی‌شد مورد مؤاخذه قرار نمی‌گرفت. ایشان می‌دانست که مردم حتماً گرفتار گناه و خطا هستند؛ اما از مالک اشتر می‌خواهند که گناه مردم را آشکار نکند: «مردم عیبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی [مردم را رسوا نکن]، و آنچه [از گناهان مردم] که خداوند بر تو آشکار کرد را [با حد زدن و مجازات و تنبیه] تطهیر کن، که داوری در آنچه از تو پنهان است با

خدای جهان می‌باشد [یعنی اگر گناہانی را خدا از تو پنهان کرده در پی فاش کردنشان نباش؛ زیرا مسئول رسیدگی به آن گناہان خداوند است، نه تو و قرار است در روز قیامت به آنها رسیدگی شود نه در دنیا]، پس هرچه می‌توانی زشتی‌های مردم را بپوشان» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۶۲). این رفتار امام علی (علیه‌السلام) حاوی این پیام ضمنی است: *ای مردم فقط من گناہانی که آشکارا مرتکب می‌شوید را مجازات می‌کنم و این مجازات هم باعث تطہیر و پاکیزگی شما خواهد بود. در مورد سایر گناہانی که از چشم من پنهان مانده در صدد جستجو و کشف و رسوا کردن بر نخواهم آمد. این گناہانی است که باید پاسخگوی خدا باشید این نوع تعامل حکومت و مردم باعث همدلی می‌شود و سرمایه اجتماعی می‌آفریند. در همین راستا حضرت علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر سفارش می‌کند که سخن‌چینان و جاسوسانی که گناہان مردم را به تو اطلاع می‌دهند را از خود دور کند: «و از آن [گناہانی که مردم مخفیانه انجام داده‌اند] و برایت واضح و آشکار نشده تغافل کن [یعنی خود را به ناآگاهی و عدم اطلاع بزن و در مواجهه با مردم آنها را به رخشان نکش]. در تصدیق سخن چین شتاب مکن؛ زیرا سخن‌چین گرچه در لباس اندرزدهنده ظاهر می‌شود اما خیانتکار است» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۶۳).*

۴-۲. صبر و مدارا در رابطه با مردم

حضرت علی (علیه‌السلام) به کارگزاران و نمایندگان خود دستور می‌دهند: «در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شکیباً باشید. همانا شما خزانه‌داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۵۷). افرادی شبیه مالک اشتر مورد نظر امیرالمؤمنین است که بدون چشم‌داشت، در خدمت حکومت اسلامی باشند و چنان صبری داشته باشند که در برابر زخم زبان‌ها و توهین‌های گوناگون، خم به ابرو نیاورند بلکه با رفتارشان مخالفان حکومت را نیز تحت تأثیر قرار دهند. این صبر و مدارا حتی شامل اتباع غیرمسلمان حکومت هم می‌شود. حضرت علی (علیه‌السلام) سوءاستفاده از غیرمسلمانان و استثمار آنها را ممنوع نموده‌اند: «مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو، و

دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۶۰). صبر و مدارا در روابط اجتماعی باعث می‌شود که همدلی میان مردم و حاکمان به‌وجود بیاید. حضرت علی (علیه‌السلام) حتی در مجازات مجرمان هم به صبر و مدارا توصیه می‌کند: «بر بخشش دیگران پشیمان مباش، و از کیفر کردن شادی مکن و از خشمی که توانی از آن رها گردی شتاب نداشته باش» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۶۱). به عبارت دیگر فرمانروا پس از بخشیدن نباید پشیمان شود، پس از مجازات کردن نباید شاد شود و پس از خشمگین شدن باید صبر کند. این رویکرد در ایجاد همدلی حتی با مجرمان، مؤثر است.

۵. الفت به‌منابه وحدت و پیوند

این معنا از الفت در نهج‌البلاغه بسیار مورد توجه بوده و ابعاد مختلف کاربردی‌ای را دربرمی‌گیرد که عبارت‌اند از:

۵-۱. تکریم مردم

کریمانه با مردم برخورد داشتن و بزرگ شمردن آنها باعث می‌شود که مردم با حکومت احساس همدلی کنند. درمقابل، اگر حکومتی مردم را تحقیر کرده و به آنها بی‌اعتنایی کند سرمایه اجتماعی و همدلی خود را از دست خواهد داد. حضرت علی (علیه‌السلام) به کارگزار خود سفارش می‌کند که «با مردم تندخو نباشد و به آنها دروغ نگوید و با مردم به جهت اینکه بر آنها حکومت دارد بی‌اعتنایی نکند، چه اینکه مردم برادران دینی، و یاری‌دهندگان در استخراج حقوق الهی می‌باشند» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۰۹). انسان بودن به نظر امام علی (علیه‌السلام) کافی است که او را محترم، محبوب، مورد دلسوزی و دارای حقوق قرار دهد (جرداق، ۱۴۲۳ق، ص. ۲۰۶). در جامعه مردسالار عرب، زنان به‌عنوان بخشی از امت اسلامی مورد تحقیر قرار می‌گرفتند و حضرت علی (علیه‌السلام) به‌صورت خاص در مورد زنان تأکید می‌کند که لازم است مورد احترام قرار بگیرند: «فقط کریمان [و افراد محترم] زنان را تکریم می‌کنند و فقط افراد پست به زنان اهانت می‌کنند» (قباچی، ۱۴۲۱ق، ص. ۳۱۳). امام علی (علیه‌السلام) به کارگزاران سفارش می‌کند: «هرگز کسی را از بیان حاجت باز

ندارید و از مطالبه محروم نسازید، و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی و مرکب سواری، و برده‌کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۵۷). حضرت علی (علیه‌السلام) در این فراز، از اصطلاح «و لاتحشمو احدًا» استفاده نموده است. «تحشمو» به معنای عصبانیت و حیا است و معنای عبارت این می‌شود که با عصبانیت رفتار نکنید که فرد مراجعه‌کننده، شرم‌منده شود و از حیا و شرم و ترس نتواند تقاضایش را مطرح کند (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۵ق، ص. ۱۶). مردم شأن قابل احترامی دارند و بنابراین حق دارند که خواسته خود را بدون خجالت و ترس به گوش حاکم برسانند. این مردم دارای احترام هستند و نباید از حداقل امکانات زندگی آبرومندانه محروم شوند. کارگزاران حق ندارند به دلیل مبلغی اندک، افراد را مورد هتک حرمت قرار دهند. تمام این موارد به تعظیم و بزرگ شمردن مردم ختم می‌شود. به‌علاوه میزان دارایی و درآمد مردم باید به اندازه‌ای باشد که احساس حقارت و نیاز نکنند. اشتباه است که تصور کنیم که اسلام طرفدار فقر و گدایی است و انبیاء مردم را به رهبانیت و دنیاگریزی دعوت می‌کنند. درحالی‌که انبیا مردم را از دنیای مذمومی که با جمع‌آوری مال از راه‌های نامشروع مانند دزدی و قمار و ربا و ظلم و رشوه به‌دست آید منع کرده‌اند (هاشمی خویی، ۱۳۶۴، ص. ۱۳۵).

۵-۲. اقناع

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تأکید دارد که در اجرای فرمان‌های حکومتی باید با مردم حرف زد و قانع کرد: «به مردم نگو به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم؛ پس باید اطاعت شود» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۶۱). ایشان در جای دیگری نیز به مالک اشتر توصیه می‌کند که (با توضیح دادن و شفاف کردن) کینه‌ها و عقده‌هایی که در باور عمومی شکل گرفته را از بین ببرد: «گره هر کینه‌ای را در مردم بگشای و آنچه باعث می‌شود تنها بمانی و دشمن داشته باشی را از بین ببر» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۶۳). روش امام علی (علیه‌السلام) این بود که اگر شبهه‌ای برای جامعه پیش می‌آمد و تبلیغات دشمنان نیز بر اساس همین شبهه‌ها و ابهام‌ها شکل می‌گرفت، توسط ایشان برای مردم باز و شفاف می‌شد. پنهان کردن، سکوت کردن، بی‌توجهی به پرسش

جامعه به این بهانه که فلان شایعه، باطل است و ارزش پاسخگویی ندارد و... در روش و منش ایشان نبود؛ به عنوان مثال امام علی (علیه السلام) از سوی دشمنانش به خصوص معاویه در مورد حضور در قتل عثمان متهم شده بود. حضرت علی (علیه السلام) به جای اینکه بفرماید: «الباطل یموت بترک ذکره» (باور غلط و باطل با سکوت و تکرار نکردن از بین می‌رود) برای مردم شفاف توضیح داد که نقشی در قتل عثمان نداشته است: «شما را از کار عثمان چنان آگاهی دهم که شنیدن آن چونان دیدن باشد، مردم بر عثمان عیب گرفتند و من تنها کسی از مهاجران بودم که او را به جلب رضایت مردم واداشته و کمتر به سرزنش او زبان گشودم...» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۳۸۷).

۳-۵. شفافیت و اطلاع‌رسانی

کمبود داده‌ها و اطلاعات در جامعه باعث رواج شایعه‌ها و دروغ می‌شود. این شایعه‌ها همدلی با حکومت را به خطر می‌اندازد و سرمایه اجتماعی را از بین می‌برد؛ بنابراین امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مردم می‌گوید: «حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۵۶). مردم باید اطمینان داشته باشند که جز اسرار جنگی چیز دیگری محرمانه نخواهد بود. پنهان کردن اسرار جنگی هم پوشیده داشتن از جاسوسان دشمن است نه از مردم. در حکومت علوی اصالت بر آشکار کردن اطلاعات و شفافیت در بیان حقایق است، نه اینکه اصل بر طبقه‌بندی اطلاعات باشد. این رفتار باعث همدلی میان مردم و حاکمیت می‌شود.

۴-۵. التزام به عهد و امانت

یکی از مهم‌ترین هنجارهایی که باعث همدلی می‌شود التزام به ادای امانت و تعهد است. به این معنا که تصویر مردم از دولتمردان این باشد که در امانت و بیت‌المال خیانت نمی‌کنند و بر سر پیمان خود با مردم هستند. در این صورت اعتماد و همدلی مردم برانگیخته می‌شود. اگر این اطمینان خاطر در مردم به وجود آید که کارگزاران حکومت به آنچه وعده داده‌اند عمل خواهند کرد و درصدد عهدشکنی و نقض وعده‌ها بر نخواهند آمد، سرمایه اجتماعی حکومت افزایش می‌یابد. این آموزه اسلام است که مؤمنان به عهد و پیمان خود پایبندند. در عین حال حضرت علی (علیه السلام) وفای به

عهد را موضوعی فرادینی تلقی می‌کند: «هیچ‌یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست که همه مردم جهان با تمام اختلاف‌هایی که در افکار و تمایل‌ها دارند، در آن اتفاق نظر داشته باشند» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۷۸). ایشان می‌فرماید: «هرگز پیمان‌شکن مباش و در عهد خود خیانت مکن، و دشمن را فریب مده؛ زیرا کسی جز نادان بدکار، بر خدا گستاخی روا نمی‌دارد، خداوند عهد و پیمانی که با نام او شکل می‌گیرد با رحمت خود مایه آسایش بندگان، و پناهگاه امنی برای پناه آورندگان قرار داده است، تا همگان به حریم امن آن روی بیاورند. پس فساد، خیانت، فریب، در عهد و پیمان راه ندارد» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۷۸). نکته‌ای که در اینجا مورد تأکید قرار گرفته این است که در تخاصم و زدوخورد‌هایی که در زندگی سیاسی و اجتماعی بشر وجود دارد، خداوند «عهدنامه» را به‌عنوان پناهگاه و آسایشگاهی قرار داده که در پناه آن یک اطمینان‌خاطر و آسودگی برای بندگان فراهم گردد. مهم است که این عهدنامه، «حریم الهی» به‌شمار می‌رود و هرکس به آن تعدی کرده و آن را نقض کند، مرتکب هتک حرمت الهی شده و این گستاخی از سوی خدا قابل گذشت نخواهد بود. اگرچه «حیله» روشی قابل قبول در جنگ و سیاست است و هیچ ایرادی ندارد که یک فرمانده جنگی یا یک سیاستمدار دشمن خود را فریب دهد؛ اما هرگز نباید «عهد و پیمان» ابزاری برای فریب تلقی شود و با پیمان بستن با دشمن و سپس نقض آن، به‌دنبال پیروزی بود. «اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی امانت‌دار باش، و جان خود را سپر پیمان خود گردان» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۷۸). حفظ امانت نیز به‌نوعی، پایبندی به تعهد است و یکی از عوامل مهم جلوگیری از بی‌اعتمادی است. خیانت در امانت، که در همه ادیان و فرهنگ‌ها نکوهش شده است، به‌شدت سرمایه اجتماعی را نابود می‌کند. از دیدگاه حضرت علی (علیه‌السلام)، خیانت در امانت هم عقوبت در آخرت را در پی دارد و هم اینکه در این دنیا «خواری» و بی‌اعتباری را به‌دنبال خواهد داشت. «کسی که امانت الهی را سبک و ساده بداند و دچار خیانت شود و روان و دینش را [از اخلاقی که زمینه ساز خیانت به امانت است] پاکیزه نکرده باشد، درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده، و در

قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۱۰). همچنین فرمود: «امانت را ادا کنید، حتی در مورد قاتل فرزند پیامبران» (قبانچی، ۱۴۲۱ق، ص. ۲۶۸) و این نشان می‌دهد که قانون رعایت امانت باید نسبت به کفار حربی و دشمن‌ترین افراد هم رعایت شود.

دقت در سیره حضرت علی (علیه السلام) نشان می‌دهد که ایشان هر نوع قدرت و ثروتی را که جامعه در اختیار مسئولان قرار داده است را امانت تلقی می‌کند. بیت‌المال مسلمین و نیز فرمانروایی که به مسئولان داده شده، امانتی است که باید پاس داشته شود. به همین دلیل در هنگام تودیع فرمانداری‌اش برای تشویق و سپاسگزاری چنین می‌گوید که شما «امانت» را به جای آوردید: «به راستی تاکنون زمامداری را به نیکی انجام دادی، و امانت را پرداختی. پس به سوی ما حرکت کن...» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۴۶). به همین ترتیب اگر یکی از کارگزاران از قدرت و ثروت عمومی سوءاستفاده می‌کرد به خیانت در امانت محکوم می‌شد و مورد سرزنش قرار می‌گرفت. ایشان خطاب به یکی از کارگزاران خطاکار خود چنین می‌فرماید: «پس از یاد خدا و درود! همانا من تو را در امانت خود شرکت دادم و همراز خود گرفتم، و هیچ‌یک از افراد خاندانم برای یاری و مددکاری، و امانت‌داری، چون تو مورد اعتماد نبود...» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۴۵). حضرت علی (علیه السلام) به شدت در امانت‌داری سختگیری می‌کرد. جایی می‌فرماید: «همانا من، به راستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده، و در هزینه عیال، در مانده و خوار و سرگردان شوی!» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۰۲).

۶. الفت به مثابه محبت و مهربانی

این بُعد معنایی الفت بیانگر ماهیت اخلاقی سرمایه اجتماعی بوده و دربردارنده مؤلفه‌های زیر است:

۶-۱. نرم‌خویی و حسن معاشرت

نرم‌خویی کارگزاران با مردم یکی از آداب و رفتاری است که می‌تواند هم‌دلی بیافریند.

حضرت علی (علیه السلام) به کارگزار خود دستور می‌دهد که «با مردم فروتن باش، نرم‌خو و مهربان باش، گشاده‌رو و خندان باش. در نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۱۰). همچنین می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۶۰). حاکم اسلامی باید به خواسته‌های عموم مردم اولویت دهد و بر خواسته‌های خود اصرار نداشته باشد: «از کاری که تو را خشنود، و عموم مسلمانان را ناخوشایند است پرهیز» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۹۷). حضرت علی (علیه السلام) در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «بدان ای مالک! هیچ‌وسيله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم، و کاستن از زحمت و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نمی‌باشد» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۶۴). به زحمت نینداختن مردم، باعث جلب همدلی می‌شود و برعکس، اجبار کردن مردم به انجام امور، کینه‌توزی مردم را به همراه دارد (جعفری، ۱۳۸۶، ص. ۲۶۶).

نرم‌خویی نه تنها برای جلب همدلی شهروندان عادی مؤثر است بلکه می‌تواند باعث جلب نظر دشمنان هم باشد. رفتار حضرت علی (علیه السلام) پس از جنگ جمل با مردم بصره درس آموز است. کانون فتنه جمل بصره بود و اهل بصره شورشیانی به‌شمار می‌آمدند که پس از شکنجه و اخراج والی امیرالمؤمنین از بصره، سلاح به دست گرفتند و به رهبری طلحه و زبیر و عایشه با حضرت علی (علیه السلام) جنگیدند؛ اما پس از شکست، به خانه‌های خود خزیدند و هراسان بودند که آیا انتقام حکومت شامل حال آنها خواهد شد یا خیر؟ در این فضای مملو از ترس، بی‌اعتمادی و سوءظن، حضرت علی (علیه السلام) والی جدید خود را به بصره اعزام نمود و به او دستور داد که با حسن معاشرت و مهربانی با این مردم خطاکار مواجه شود. ایشان به فرماندار خود چنین می‌فرماید: «بصره امروز جایگاه شیطان، و کشتزار فتنه‌هاست. با مردم آن به نیکی رفتار کن و گره وحشت را از دل‌های آنان بگشای». باز کردن گره ترس یعنی وحشت را از بین ببر و همدلی مردم را با مهربانی و نرم‌خویی جلب کن. ایشان در ادامه سفارش

می‌کنند «با مردان شجاع بنی تمیم سختگیری نکن» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۰۱).

۲-۶. قدرشناسی و تشکر از مردم

وقتی مردم با حضرت علی (علیه‌السلام) بیعت کردند، تعهد کردند که در رکاب او بجنگند و با دشمنانش پیکار کنند. پس از جنگ، حضرت علی (علیه‌السلام) به سربازانش فرمود این وظیفه شما بوده بلکه قدردانی از آنها را بر زبان آورد: «خداوند شما مردم کوفه را از سوی اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پاداش نیکو دهد، بهترین پاداشی که به بندگان فرمانبردار، و سپاسگزاران نعمتش عطا می‌فرماید؛ زیرا شما دعوت ما را شنیدید و اطاعت کردید، به جنگ فرا خوانده شدید و بسیج گشتید» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۳۸۸). این نوع برخورد حاکم چقدر می‌تواند باعث همدلی میان حکومت و مردم شود؟

۳-۶. عذرخواهی حکومت از مردم

یکی از عوامل ایجاد همدلی و رفع کدورت، عذرخواهی است. هرچند حضرت علی (علیه‌السلام) معصوم و بری از اشتباه است؛ اما حکومت علوی معصوم نیست. در این حکومت که افراد متعددی در اداره آن دخیل هستند حتماً ممکن است اشتباهی رخ دهد و ظلمی به مردم برود. در این موقعیت‌ها حضرت علی (علیه‌السلام) به کارگزاران خود می‌گوید که با زبان صریح از مردم عذرخواهی کنند: «هرگاه رعیت بر تو بدگمان گردد، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار، و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده» (علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۷۹، ص. ۴۷۷). تأکید بر این است که اشتباه از سوی حکومت ممکن است سر بزند؛ اما نباید آن را انکار کرد یا نادیده گرفت بلکه باید در صدد جبران اشتباه برآمد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد به بنیان‌های سرمایه اجتماعی در نهج‌البلاغه پرداخته شود. به این منظور به هسته سرمایه اجتماعی توجه شد. بر اساس تعریفی که ارائه شد، هسته

سرمایه اجتماعی «همدلی» است. در نتیجه اگر عوامل و مؤلفه‌هایی را بتوان یافت که به بهبود و افزایش همدلی دلالت داشته باشد، در این صورت می‌توان انتظار داشت که سرمایه اجتماعی را ارتقا دهد. با این روش تحلیل محتوای کیفی، به سراغ متن کتاب شریف نهج‌البلاغه رفتیم و معادل بومی همدلی در نهج‌البلاغه جستجو شد. واژه «الفت» نزدیک‌ترین واژه به همدلی در فارسی است که در جای‌جای نهج‌البلاغه به آن اشاره شده است. در کلام امیرالمؤمنین، الفت با چهار سویه معنایی به کار گرفته شده است: همنشینی، سازگاری، وحدت و محبت؛ بنابراین مجموعه اقدام‌ها و رفتارهایی که بتواند این چهار سویه را تقویت کند، می‌تواند به افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه منجر شود. با این رویکرد، محتواهایی که به تقویت این چهار وجه کمک کند، در نهج‌البلاغه جستجو شد. با منظم کردن محتواها، به این نتایج می‌رسیم:

اول. محتواهای مرتبط با الفت به معنای همنشینی: تواضع و مردمی بودن، رسیدگی به شکایات‌های مردمی، آمیختگی و ارتباط بدون واسطه با مردم، ساده‌زیستی؛

دوم. محتواهای مرتبط با الفت به معنای سازگاری: تغافل و حفظ آبروی مردم، صبر و مدارا در رابطه با مردم؛

سوم. محتواهای مرتبط با الفت به معنای وحدت و پیوند دادن: تکریم مردم، اقناع، شفافیت و اطلاع‌رسانی، التزام به عهد و امانت؛

چهارم. محتواهای مرتبط با الفت به معنای محبت و مهربانی: نرم‌خویی و حسن معاشرت، قدرشناسی و تشکر از مردم، عذرخواهی حکومت از مردم.

یادداشت‌ها

1. Robert Putnam
2. Physical capital
3. Human capital
4. Social capital
5. support
6. reciprocity
7. expectations
8. trust
9. associations
10. Sympathy

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۴۲۵). شرح نهج البلاغه، (با توضیحات شیخ حسین الاعلمی). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ارسیا، بابک و ساعی، احمد (۱۳۹۸). «تأثیر سرمایه اجتماعی دولت بر توسعه سیاسی از دیدگاه شهروندان تهرانی». نشریه علمی دانش سیاسی، ۱۵(۱)، ۲۸-۱.
- اعتصامی، منصور و فاضلی کبریا، حامد (۱۳۹۳). «تدوین الگوی پیشنهادی مؤلفه‌های مدیریتی سرمایه اجتماعی با نگاهی به مفاهیم نهج البلاغه». دوفصلنامه سیاست‌گذاری اقتصادی. ۶(۱۲)، ۴۶-۲۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). قدرت نرم و سرمایه اجتماعی. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- بلاوی، رسول؛ ماهوزی، زهرا (۱۳۹۸). «کاربست الگوهای تحلیل کنش‌های کلامی امام علی علیه‌السلام در نهج البلاغه»، دانش سیاسی. ۱۵(۲)، صص. ۳۶۹-۳۸۸.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار). (محمدتقی دلفروز، مترجم). تهران: روزنامه سلام.
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه. (حسن پویان و افشین خاکباز، مترجمان). تهران: شیرازه.
- جرداق، جرج (۱۴۲۳ق). علی و حقوق الانسان. جلد اول. بحرین، جدحفص: صعصعه.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۶). حکمت اصول سیاسی اسلام: ترجمه و تفسیر فرمان علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر. مشهد: آستان قدس رضوی، به نشر.

- خلیلی، رضا و مهربان اینچه‌برون، حامد (۱۴۰۰). «سرمایه اجتماعی و خشونت کنش‌گراانه در خاورمیانه». نشریه علمی دانش سیاسی، ۱۷(۱)، ۸۶-۵۹.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دار القلم.
- ردادی، محسن (۱۳۹۰). *منابع قدرت نرم: سرمایه اجتماعی در اسلام*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- رهبرقازی، محمودرضا؛ جعفری، زهرا و کردعلیوند، نسیم (۱۴۰۰). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش به مردم‌سالاری (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)». نشریه علمی دانش سیاسی، ۱۷(۲)، ۳۸۲-۳۵۷.
- رونیاسی، محمدرضا؛ احمدی، سیدعلی‌اکبر؛ حسینی، سیدحمید و حمیدی، کامبیز (۱۳۹۹). «اصول تعاملی سرمایه اجتماعی برای کارکنان سازمان‌های دولتی ایران از منظر آموزه‌های نهج‌البلاغه». *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۳(۳)، ۱۴۳۲-۱۴۱۸.
- زارع، سارا و غلیپوریانی، طهماسب (۱۳۹۹). «مشارکت به‌مثابه سرمایه اجتماعی در نهج‌البلاغه». *فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه*، ۱۹(۳)، ۲۲۱-۱۹۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی* (ج ۲). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساعی، علی (۱۳۸۷). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: سمت.
- طایی، نجاح (۱۴۲۵ق). *سیره الامام علی بن ابیطالب*. (مصطفی السقا، مصحح). بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- عبدالمقصود، عبدالفتاح (۱۳۷۹). *امام علی بن ابیطالب: تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام*. (محمد مهدی جعفری، مترجم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- علی ابن ابی طالب (علیه‌السلام) (۱۳۷۹). *نهج‌البلاغه*. (محمد دشتی، مترجم). اصفهان: انتشارات آثار فرهنگ برتر.
- علینی، محمد و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۴). «تحلیل فضای مفهومی سازه سرمایه اجتماعی در کلام امام علی (علیه‌السلام)». *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۲(۴)، ۹۲-۱۲۰.
- فاضلی کبری، حامد (۱۳۹۱). *سرمایه اجتماعی در نهج‌البلاغه*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- قبانچی، سیدحسن (۱۴۲۱ق). *مسند الامام علی علیه‌السلام*. بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
- محسنی، علی (۱۳۸۴). «امام علی (ع) و رویکرد مردمی به مقوله حکومت و خاستگاه آن»، دانش

سیاسی. (۱)، صص. ۱۲۹-۱۵۸.

مصطفوی، حسن (۱۳۹۳ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

هاشمی خوبی، حبیب‌الله (۱۳۶۴). *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*. گردآوری حسن حسن‌زاده آملی، (سیدابراهیم میانجی، مصحح). تهران: مکتبه الاسلامیه بطهران.

Coleman, James (1990). *Foundations of Social Theory*. Cambridge: Harvard University Press.

Harpham, T.; Grant, E. & Thomas, E. (2002). "Measuring Social Capital within Health Surveys: Key Issues". *Health Policy and Planning*, 17(1), 106-111.

Robison, Lindon J.; Schmid, A. Allan, Siles, Marcelo E. (2002). "Is Social Capital Really Capital?". *Review of Social Economy*, (60), 1-21.

Woolcock, M. (2001). "Microenterprise and Social Capital: A Framework for Theory, Research, and Policy". *Journal of Socio-Economics*, 30(2), 193-197.